

تعمقی در ماده ی (۵۱) از منشور ملل متحد (دفاع مشروع)

سید حسین صادقی - عضو هیأت علمی دانشگاه

تاریخچه ی دفاع مشروع

سابقه ی تاریخی دفاع مشروع که امروزه از مهم ترین موضوعات حقوق جزای عمومی است به «مشروعیت ذاتی توسل به دفاع طبیعی» در مقابل هر نوع تعرض و تجاوز بر می گردد. هر چند در مورد مبانی دفاع مشروع نظریات گوناگونی بیان شده، ولی حق طبیعی هر انسان برای دفاع در مقابل هر گونه حمله و تجاوز ناحق از جمله مهم ترین توجیهات مبنای این حق است و مشاهیر فقهای اسلامی در مباحث خود از دفاع مشروع در مقام تحلیل دفاع فردی و جواز آن در اسلام با توسل به برخی از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی طاهرین علیهم السلام، دفاع از نفس و مال و عرض و ناموس را با رعایت شرایطی جایز دانسته و به عنوان حق استثنایی معرفی کرده اند. قانون مجازات اسلامی نیز در مواد (۶۱) و (۶۲) قواعد دفاع مشروع را، با تأسی از مقررات اصل چهار قانون اساسی (مطابقت مقررات با موازین اسلامی) به عنوان یکی از علل موجهه ی جرم مورد تصریح قرار داده است. مطابق ماده (۶۱) قانون مجازات اسلامی، هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود و دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز و یا خطر قریب الوقوع فعلی، عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط مذکور در این ماده قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.

دفاع مشروع در عرصه ی حقوق بین الملل

منشور ملل متحد، حق ذاتی دفاع مشروع را به طور فردی و دسته جمعی در قبال تهاجم نظامی، بر طبق ماده (۵۱) به رسمیت شناخته است. دفاع مشروع در قلمرو مسئولیت بین المللی موجب می شود، توسل به زور و جنگ و اقدام مسلحانه - که فی حد نفسه ممنوع و در فهرست جنایات بین المللی است - جرم قلمداد نشود. البته از نظر دکتربین الملل نیز دفاع مشروع در حقوق بین المللی همانند حقوق داخلی، باید محدود به موارد «ضرورت» باشد.

در مواردی که تجاوز و خطر «آنی» نبوده و امکان توسل به راه های مسالمت آمیز و از جمله مراجع بین المللی وجود دارد، اصول حقوق بین الملل استفاده از این گونه دفاع را تجویز نمی نماید. پذیرش مفهوم «مجرمانه» تروریسم بین المللی، محدوده ی دفاع مشروع در قبال این پدیده را مطرح ساخته است؛ زیرا به بهانه ی ارتکاب عملیات تروریستی (نظیر حوادث ۱۱ سپتامبر در آمریکا) توسل به فرضیه ی دفاع مشروع و انجام عملیات جنگی با نادیده گرفتن مرزهای جغرافیایی جزایی، همانند آن چه در افغانستان انجام گرفت، توجیه بین المللی ندارد. خصوصاً اشکال این گونه اقدامات در قلمرو حقوق بین الملل، وقتی بیشتر می شود که به جای طرح مسئله در سازمان ملل متحد و رایزنی در شورای امنیت، دولت مردان بدو و رأساً سکندار عملیات جنگی شده و به دلخواه خود، معیار و ملاک مبارزه با تروریسم را تعیین نمایند و حتی این افراطگری را تا به آن جا می رسانند که دنیا را به دو دسته ی حامیان آمریکا و پشتیبانان تروریسم تقسیم می کنند! و بدتر از همه، اصول حقوق بین الملل وقتی به طور آشکار نقض و پایمال می شود که در عملیات جنگی زنان و کودکان و غیر نظامیان مظلوم، مورد هدف سلاح های جنگی و بمباران ها قرار می گیرند و بار دیگر دنیا شاهد یکه تازی دولت مردانی می شود که از مکانیسم های پیش بینی شده در حقوق بین الملل استفاده ننموده و جهانیان را نیز حتی با تهدید، به پیروی از تصمیمات خود فرا می خوانند و تبعاً در این راستا مهمترین اصل

منشور ملل متحد که هر گونه توسل به قوه ی قهریه را در روابط بین المللی تحت رهبری سازمان ملل متحد توصیه می کند، نقض می شود.

مشروعیت دفاع مشروع در مقابله با تروریسم

جامعه ی بین المللی، برای مبارزه علیه تروریسم از ابزار مختلفی برخوردار است که این ابزار شامل اقدامات قهری و غیر قهری در سرکوب با پیشگیری از اقدامات تروریستی می باشند. فعالیت های اطلاعاتی جهت شناسایی، دستگیری و در صورت لزوم استرداد مرتکبین به اقدامات تروریستی و محاکمه ی آنان در محاکم ملی یا بین المللی، اقدامات مداخله گرایانه در امور سایر کشورها، اقدامات تلافی جویانه و دفاع مشروع از جمله روش هایی هستند که کشورها به عنوان مبارزه با تروریسم اعمال کرده اند.

اصول دفاع مشروع

ماده (۵۱) منشور ملل متحد، مقرر می دارد که: «در صورت وقوع حمله ی مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت، اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه ای وارد نخواهد آورد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده ی صلح و امنیت بین المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد، اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.» مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین الملل، همانند دفاع مشروع در حقوق داخلی بوده که در نبود فرصت برای توسل به قانون، به قربانی تجاوز حق می دهد تا به فوریت و با توسل به زور به دفاع از خود و سرکوب تجاوز بپردازد. در حقوق داخلی دفاع مشروع استثنایی بر قاعده است، ولی در حقوق بین الملل به دلیل فقدان یک قدرت فراملی و یک نیروی اجرایی مافوق دولتی، دفاع مشروع یک قاعده است که خود استثنایی است بر قاعده ی منع توسل به زور و تحریم جنگ.

تفسیر موسع و تفسیر مضیق ماده (۵۱) منشور ملل متحد

در تفسیر مضیق دفاع مشروع، این حق به عنوان استثنایی بر اصل عدم توسل به زور توسط کشورها می باشد که براساس منشور ملل متحد صرفاً و فقط چنان چه (حمله ی نظامی) انجام شود، قابل اعمال است. به این معنا که حق دفاع مشروع در مقابل اقدامی خصومت آمیز که در عین حال حمله ی نظامی نیست، وجود ندارد؛ اگر چه در مقابل چنین اقداماتی واکنش های غیر نظامی قابل اعمال خواهد بود. هم چنین تفسیر مضیق از مفهوم دفاع مشروع، پیش دستی در دفاع را به صورت دفاع ابتدایی یا پیش گیرانه در مقابل تهدید به حمله ای که منتهی به حمله ی نظامی نمی شود، مجاز ندانسته؛ بر این اساس که ماده (۵۱) تصریح دارد دفاع مشروع فقط در زمانی قابل اعمال است که حمله ی نظامی «رخ داده باشد». کسانی که قائل به تفسیر موسع از مفهوم دفاع مشروع هستند، معتقدند که دفاع مشروع صرفاً در مقابل «حمله نظامی» مندرج در ماده (۵۱) منشور قابل اعمال نیست، بلکه در مقابل حمله ی احتمالی یا حمله ای هم که به حمله ی نظامی منتهی نمی شود نیز جایز خواهد بود.

طرفداران این نظریه استدلال می کنند که تدوین دفاع مشروع در ماده (۵۱) به این دلیل نبوده که دفاع مشروع مندرج در منشور، جایگزین دفاع مشروع در حقوق عرفی پیش از منشور شود و درج عبارت «حق ذاتی» در ماده (۵۱) نیز، مبین همین امر است. برخی از کشورها بر اساس تفسیر موسع از حق دفاع مشروع، اقدامات ضد تروریستی با روش های

زورمدارانه و به شکل اقدامات تلافی جویانه، دفاع ابتدایی و پیش گیرانه، مداخله و یا اقدامات متقابل نظامی را با استناد به همین ماده، دفاع مشروع قلمداد کرده اند. این کشورها اعمال تروریستی یا خطر آن را، برابر با «حمله ی مسلحانه» مندرج در ماده (۵۱) منشور دانسته و دفاع مشروع را جایز شمرده اند.

ماده (۵۱) منشور ملل متحد بر وقوع «حمله ی مسلحانه» به عنوان شرط اعمال دفاع مشروع صراحت دارد. اگر طراحان منشور می خواستند، دست کشورها را در اجرای حق دفاع مشروع باز بگذارند یا از درج ماده (۵۱) خودداری می کردند و حق دفاع مشروع را بر اساس حقوق عرفی قابل اعمال می دانستند و یا این که از عبارات کلی همانند «تهدید یا توسل به زور» و یا «تهدید یا نقض صلح یا اقدامات تجاوزکارانه»- آن چنان که در مواد (۲) و (۳۹) منشور آمده است- استفاده می کردند. لکن در ماده (۵۱) جواز توسل به زور محدود به این شرط شده است که «اگر حمله ی مسلحانه واقع شود» و می توان گفت چنین شرطی واضح و روشن، واقعی و عینی و به آسانی قابل اثبات بوده و به دشواری بتوان آن را جعل کرده و یا از آن سوء تعبیر به عمل آورد. این در حالی است که برخی از حقوق دانان بر این باورند که پیش از تشکیل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، حقوق عرفی دفاع مشروع وجود نداشته و به جای یک مفهوم حقوقی، دفاع مشروع به عنوان یک عذر سیاسی برای توسل به زور مورد استفاده ی کشورها قرار می گرفته است. با تدوین منشور ملل متحد، راه برای توسل به زور برای تأمین منافع ملی یا وسیله ای برای حل اختلافات بسته شد و اقدامات دفاعی می بایستی بر اساس اصول حقوقی مندرج در منشور مورد استفاده ی کشورها قرار گیرد.

از جمله مواردی که شورای امنیت سازمان ملل متحد در تصمیمات خود به دفاع مشروع اشاره کرده، قطعنامه ۶۶۱ می باشد که شورا حق دفاع مشروع را در پاسخ به حمله ی نظامی عراق علیه کویت براساس ماده (۵۱) منشور مورد تأیید قرار داد. شورا در مقدمه ی قطعنامه های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ با اشاره به حملات تروریستی ۲۰ شهریور سال ۱۳۸۰ حق دفاع مشروع فردی و جمعی را مورد تأیید قرار داده؛ لکن این قطعنامه ها حملات تروریستی فوق را نه به عنوان «حمله ی مسلحانه» که به عنوان «تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی» قلمداد نموده اند. از سوی دیگر شورای سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بر اساس ماده (۵) اساس نامه ی ناتو اعلام کرد که حق دفاع مشروع جمعی در حمله به یک عضو از ۱۹ عضو سازمان وجود دارد. هم چنین شورای مزبور موافقت کرد چنان چه مشخص گردد که حمله ۲۰ شهریور از خارج از آمریکا هدایت می شده، این اقدام تروریستی به عنوان حمله ی نظامی علیه کل اعضا تلقی خواهد شد. به این ترتیب گروهی از کشورها با تفسیر موسع از ماده (۵۱) منشور به این نتیجه رسیدند که حمله ی تروریستی با حمله ی مسلحانه توسط یک کشور برابر است و کشور قربانی و کشورهای ثالث مجاز به توسل به زور برای اجرای حق دفاع مشروع فردی و جمعی هستند.

علاوه بر تفسیر مضیق از دفاع مشروع توسط دیوان بین المللی دادگستری- همان طور که قبلاً متذکر شدیم- شورای امنیت نیز در پاره ای از موارد از دیدگاه مضیق در خصوص استناد به حق دفاع مشروع در واکنش های زورمدارانه در مقابل اقدامات تروریستی تبعیت کرده است؛ به عنوان مثال عملیات ضد تروریستی اسرائیل را محکوم کرده و بر اساس حقوق بین الملل آن را غیر مجاز اعلام نموده است. می توان گفت با تفسیر موسع از عبارت «حمله ی نظامی» مندرج در ماده (۵۱) منشور، راه برای استناد به دفاع مشروع به عنوان پوششی برای اقدامات تجاوزکارانه باز خواهد بود؛ در حالی که بر اساس قواعد حقوقی، ماده (۵۱) منشور استثنایی بر بند "۴" ماده (۲) منشور است، براساس قاعده ی کلی تفسیر، استثنائات وارد بر اصل می بایست به طور مضیق تفسیر شوند.

دفاع مشروع، صرفاً در مقابل دولت‌ها جایز بوده و هدف از اجرای آن مقابله با تجاوز یک دولت می‌باشد. چنان‌چه کشوری دفاع مشروع علیه یک سازمان را برای خود جایز بداند: (اولاً) از اجرای دفاع مشروع در شکل کلاسیک آن (علیه دولت) عدول کرده است.

ثانیاً) به دلیل استقرار سازمان در کشوری خاص، کشور مورد نظر هدف حمله نظامی قرار می‌گیرد. توجهی که برای نقض حاکمیت یک کشور به عنوان دفاع مشروع ارائه شده، این است که کمک، همکاری و تشویق به تروریسم، نقض تعهدات مندرج در قطع‌نامه می‌باشد که براساس آن کشورها باید از سازماندهی، تحریک و کمک یا شرکت در اقدامات تروریستی در کشور دیگر و یا رضایت دادن به استفاده از سرزمین خود برای فعالیت‌های سازمان یافته تروریستی خودداری نمایند. اما مسئله‌ای که به وجود می‌آید، این است که کمک و تشویق به تروریسم بین الملل با «حمله‌ی نظامی» یکسان تلقی شده و اقدام نظامی، علیه کشور حمایت‌گر را مجاز خواهد کرد. علاوه بر این، محدوده‌ی چنین عملیاتی بسیار گسترده بوده و کشورهای در مظان اتهام، ممکن است غالب بر ۶۰ کشور باشند که حمله علیه آن‌ها می‌تواند منجر به وقوع یک جنگ جهانی دیگر بشود. اساساً دفاع مشروع پس از خاتمه‌ی تجاوز و به منظور تنبیه یا اقدام تلافی جویانه جایز شمرده نشده است. دفاع مشروع و اقدام تلافی جویانه (یا انتقام) دو مفهوم کاملاً مجزا و متفاوت از یکدیگر می‌باشند. دفاع مشروع به عنوان اقدامی جهت حفاظت از یک کشور جایز شمرده شده است؛ در مقابل اقدام تلافی جویانه خصوصیت تنبیهی و کیفری داشته و برای جبران خسارت گذشته، اعمال می‌شود. شورای امنیت با قضایای متعددی رو به رو بوده است که در آن‌ها کشورها اعمال خود را دفاع مشروع توجیه کرده‌اند؛ ولی اکثریت اعضای شورا چنین توجیهی را مردود دانسته و اقدام این کشورها را به عنوان اقدام تلافی جویانه و غیر قانونی دانسته‌اند.

اگر چه ممنوعیت اقدام تلافی جویانه در منشور ملل متحد ذکر نشده، لکن با توجه به ممنوعیت توسل به زور و الزام کشورها به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین المللی و هم چنین محدودیت توسل به زور به دفاع مشروع، کشورها نمی‌توانند دست به اقدامات تلافی جویانه علیه کشورهای دیگر بزنند. چنان‌چه دولتی به فوریت در مقابل تجاوز از خود واکنش نشان ندهد و زمان دفاع مشروع سپری گردد، اقدامات سازمان ملل باید جایگزین دفاع مشروع گردد. در غیر این صورت توسل به اقدام نظامی، برای انتقام و تلافی عمل گذشته، برخلاف حقوق بین الملل و ناقص مقررات منشور ملل متحد می‌باشد. ماده (۵۱) منشور ملل متحد، تصریح کرده دفاع مشروع باید تا زمانی باشد که «شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به عمل آورد». دو نکته در خصوص حمله‌ی نظامی به افغانستان و مبارزه با تروریسم باید خاطر نشان گردد:

اول این که مقامات آمریکایی اعلام کردند که جنگ علیه تروریسم سال‌ها به طول می‌انجامد که چنین جنگ طولانی‌ای ماهیتاً دفاع مشروع نخواهد بود.

دوم این که سازمان ملل متحد در اقدام خود در دعوت از گروه‌های مختلف افغان و تشکیل اجلاس بن و نهایتاً کمک به تشکیل دولت قانونی افغانستان، نشان داد که کشورها با اقدام نظامی یک جانبه هدفی برای اجرای دفاع مشروع در افغانستان نخواهند داشت و مبارزه علیه تروریسم در قلمرو افغانستان بر عهده‌ی دولت و ملت افغانستان می‌باشد. بنابراین مداخله و حمله‌ی نظامی کشورهای خارجی حتی بر اساس تفسیر موسع این کشورها از دفاع مشروع، پس از مداخله‌ی مؤثر سازمان ملل متحد هیچ توجیه حقوقی نخواهد داشت.

الزام به رعایت شرط تناسب در اجرای حق دفاع مشروع

یکی از مهم ترین شرایط اجرای دفاع مشروع این است که اقدام دفاعی باید متناسب با حمله ی نظامی ای باشد که سبب اجرای حق دفاع مشروع شده است و هدف دفاع مشروع باید دقیقاً خاتمه دادن به این حمله نظامی باشد. دیوان بین المللی دادگستری در مواردی صریحاً اهمیت وجود ضرورت و تناسب را در اقدام نظامی جهت اجرای حق دفاع مشروع اعلام کرده است. دیوان هم چنین تصریح کرده توسل به زوری که به موجب قواعد مربوط به دفاع مشروع اعمال می شود، باید متناسب و قانونی باشد و به همین جهت ضروری است که کلیه ی شرایط مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه و به خصوص اصول و قواعد مربوط به حقوق بشر دوستانه در آن رعایت گردد.

همان طور که در ماده (۵۱) منشور آمده؛ از جمله استثنائات توسل به زور، دفاع مشروع جمعی می باشد؛ به این معنا که یک کشور می تواند برای دفاع از کشوردیگر متوسل به زور شود. پس از جنگ جهانی دوم، پیمان های آتلانتیک شمالی (ناتو) و ورشو بر اساس دفاع مشروع جمعی مندرج در ماده (۵۱) منشور تأسیس شدند. بر اساس این پیمان ها حمله ی نظامی علیه یک عضو، حمله علیه کلیه اعضای تلقی شده و کلیه ی کشورهای عضو حق دفاع مشروع خواهند داشت، بدون این که کشورهای مدافع خود قربانی حمله بوده باشند. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر برای اولین بار ماده (۵) معاهده ناتو، مورد استناد اعضای آن قرار گرفت تا همبستگی خود را به نمایش بگذارند. اگر چه دبیر کل ناتو با تفسیر موسع از اقدام تروریستی در آمریکا، آن را به عنوان حمله ی نظامی مندرج در ماده (۵۱) منشور و ماده (۵) معاهده ناتو قلمداد کرد و دفاع مشروع جمعی را جایز اعلام نمود لکن از آن جا که هر یک از اعضای ناتو در انتخاب میزان و نحوه ی حمایت از یک دیگر آزاد می باشند، کیفیت و میزان حمایت از آمریکا توسط دول عضو ناتو به نحو چشم گیری متفاوت بوده و در این میان انگلیس اولین کشوری بود که تصمیم به حمایت نظامی از آمریکا در حمله به افغانستان گرفت.

نتیجه گیری

با توجه به اصولی که در ماده (۵۱) منشور ملل متحد در مورد دفاع مشروع ذکر شده است، نمی توان این استثنای بر اصل عدم توسل به زور را بر موارد خارج از محدوده ی ماده (۵۱) قابل تسری دانست. حتی معتقدین به تفسیر موسع از ماده (۵۱) منشور بر این باورند که مفهوم دفاع مشروع محافظت از حقوق اصلی و ضروری یک کشور در مقابل ضررهای جبران ناپذیر می باشد.

بر این اساس استفاده از تفسیر موسع از دفاع مشروع و ایراد عباراتی کلی بر تهدید علیه صلح و اعمال تجاوز کارانه، در حالی که تأکید منشور ملل متحد بر تفسیر مضیق از ماده (۵۱) می باشد، نشان دهنده ی استفاده ی نامشروع از این ماده در جهت مقاصد سیاسی از طرف بعضی از قدرت های بزرگ به ذهن متبادر می گردد.

منابع و مآخذ:

Martha Crenshaw- terrorism in context- Pennsylvania state university. ۱۹۹۵(۱)

۲) راپوپرت، دیوید سی، تروریسم (گزیده ی مقالات سیاسی)، انتشارات پژوهشکده ی مطالعات راهبردی ۱۳۷۸، ص ۱۳۵.

۳) آزمایش، دکتر علی، اصول اساسی حقوق بین الملل کیفری.

۴) سلیمی، صادق، پدیده ی مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین الملل و حقوق کیفری ایران، انتشارات خیام، ۱۳۷۶.

۵) لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق.

۶) گزارش کمیسیون منابع ملی آمریکا، ترجمه و انتشار پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.